

تحلیل رابطه حکمروایی خوب کشورها و کیفیت زندگی شهرها

Analysis of the Relationship between Good Governance of countries and Urban Quality of Life

Mohammad Hossein Sharifzadegan¹,
Hossein Ghanouni²

Introduction: In economics, politics and planning literature, many reasons are mentioned for accentuating the necessity and importance of public sector and planning: compensating for external effects, provision of public goods, reducing transaction costs, etc. However, if we wanted to name one core final goal for public sector and planning, that would be the increase in people's quality of life. That is the reason why there has been so much attention to the concept of quality of life since 1970s in different fields from medical sciences to economics and urban planning. On the other hand, one of the topics often discussed when taking into account the difference in the level of development of countries in the world, is the concept of governance. Due to the influential and important role of these two concepts (quality of life and governance), and the influence of national conditions on local conditions, this article

محمدحسین شریفزادگان^۱، حسین قانونی^۲*

مقدمه: در متون مختلف رشته‌های اقتصاد، علوم سیاسی و برنامه‌ریزی دلایل متعددی برای ضرورت و اهمیت بخش عمومی و برنامه‌ریزی ذکر شده است؛ جبران آثار خارجی، تأمین کالاهای عمومی، کاهش هزینه‌های مبادله و جز آنها. اما اگر بتوان یک هدف غایی برای بخش عمومی و برنامه‌ریزی ذکر کرد که تمامی آن دلایل را نیز در برگیرند آن هدف، افزایش کیفیت زندگی مردم است. از همین روست که توجه به مفهوم کیفیت زندگی از دهه ۱۹۷۰ میلادی بدین سو در ادبیات رشته‌های مختلف از پزشکی گرفته تا اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری مطرح بوده است. تا سوی دیگر، یکی از موضوعاتی که در ارتباط با تفاوت میزان توسعه در کشورهای مختلف مطرح می‌شود، مفهوم حکمروایی است. با توجه به اهمیت فراوان دو حوزه موضوعی «کیفیت زندگی» و «کیفیت حکمروایی» از یک سو و نقش مهم شرایط ملی بر شرایط محلی از سوی دیگر، مقاله حاضر به بررسی رابطه میان این دو مفهوم می‌پردازد. روش: برای سنجش رابطه موردنظر پژوهش، از روش تحلیل ثانوی کمی روی داده‌های پایگاه اطلاعاتی نامینو برای سنجش کیفیت زندگی

1. Ph.D. in Economic Development and Regional Planning,

<m_sharifzadegan@sbu.ac.ir>

2. Ph.D. Student in Urban and Regional Planning

* دکتر توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی تهران، (نویسنده مسئول)،

<m_sharifzadegan@sbu.ac.ir>

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی تهران

tries to study the relationship between these two concepts.

Method: The data used for achieving the study's objective, via secondary qualitative analysis, were extracted from 1) Numbeo database on "Quality of Life in cities" throughout the world (150 cities) and 2) "World Governance Indicators" which is one of the publications of the World Bank Institute and includes six indicators of "control of corruption", "government effectiveness", "regulatory quality", "political stability and lack of violence/terror" and "possibility of protest and accountability" for evaluation of governance quality of countries (72 countries). For measuring the relation Stepwise regression analysis was applied using cross-sectional data (2015). To resolve the multiple linearity problem between independent variables "collinear variables elimination" and "variable integration" were used. The method of eliminating the correlated variables led to the elimination of three variables: corruption control, government effectiveness and regulatory quality, and regression analysis was performed using the remaining three variables.

Findings: Stepwise regression analysis, after eliminating the variables, showed that only rule of law variable had a sig-

نشهری (۱۵۰ شهر) و از داده‌های «شاخص جهانی حکمروایی» (از زیرمجموعه‌های بانک جهانی و دربرگیرنده ۶ بعد کنترل فساد، کارآمدی دولت، کیفیت مقررات، ثبات سیاسی و نبود خشونت، حاکمیت قانون و پاسخگویی و امکان اعتراض) برای سنجش کیفیت حکمروایی کشورها (۷۲ کشور) استفاده شده است. برای تحلیل رابطه از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام با استفاده از داده‌های مقطعی (سال ۲۰۱۵ میلادی) بهره گرفته شد. برای رفع مشکل هم‌خطی چندگانه میان متغیرهای مستقل، از دو روش «حذف متغیرهای همبسته» و «تجمع متغیرها» استفاده شد. روش حذف متغیرهای همبسته به حذف سه متغیر کنترل فساد، کارآمدی دولت و کیفیت مقررات انجامید و تحلیل رگرسیون با استفاده از سه متغیر باقی‌مانده صورت پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام پس از حذف متغیرها، نشانگر آن بود که شاخص «حاکمیت قانون» می‌تواند به میزان ۶۷٪ درصد از واریانس کیفیت زندگی شهری در شهرهای مختلف جهان را تبیین نماید. تجمع متغیرهای مستقل (شاخصهای ۶ گانه حکمروایی) منتج به ایجاد متغیر مستقلی به نام «کیفیت حکمروایی» شد که این متغیر می‌تواند به میزان ۶۸٪ درصد از واریانس کیفیت زندگی شهری را تبیین نماید. در واقع، نتایج این پژوهش بر اثرگذاری معنادار و مثبت کیفیت حکمروایی ملی بر کیفیت زندگی شهری صحنه گذاشت و نشان داد یکی از عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی شهری، کیفیت حکمروایی ملی است.

بحث: بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که تصمیم‌گیران و مسئولان ملی و محلی

nificant influence on urban quality of life in the world, by explaining 67.8% of its variance. Aggregation of six world governance indicators resulted to just one predicting variable, which was named "governance quality", and can explain 68.1% of the variance of urban quality of life. In fact, the results of the study showed a significant and positive effect of the quality of national governance on the quality of urban life and pointed out that one of the influential factors on quality of urban life is the quality of national governance.

Discussion: from the results of the study it can be concluded that if decision makers and officials in national or local roles would like to improve the quality of life of citizens, they should increase the quality of the governance in countries and cities. Among the variables of the governance, the variable which showed the most correlation with urban quality life was the rule of law. Since legal mechanisms in Iran, is mostly defined in national contexts, this result is another testament for the importance of decisions and the structure of handling the national affairs on urban quality of life.

The results affirmed that national governance quality has a positive and significant relation to urban quality of life

اگر خواستار بهبود کیفیت زندگی شهروندان هستند، یکی از اقدامات مناسب برای دستیابی به این هدف، افزایش کیفیت حکمروایی در کشورها و شهرهاست. از میان متغیرهای حکمروایی نیز، متغیری که بیشترین همبستگی را با کیفیت زندگی شهری نشان داد، حاکمیت قانون بود. از آنجاکه سازوکار قانونی ایران، بیش از آن که در سطح دولتهای محلی تعریف شود، وابسته به سطوح ملی است، همین نتیجه نیز، اثرگذاری فراوان تصمیمات و ساختار اداره امور ملی بر کیفیت زندگی شهری را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل مقطعی، حکمروایی خوب، کیفیت زندگی، کیفیت حکمروایی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

مقدمه:

امروزه پژوهشگران علوم اجتماعی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در تلاش‌اند تا به این پرسشهای اساسی پاسخ دهند؛ وضعیت کلی جوامع از نظر کیفیت زندگی چگونه است؟ وضعیت جوامع امروز ما نسبت به گذشته چگونه است؟ چگونه می‌توان وضعیت جوامع مختلف در حوزه‌های جغرافیایی متفاوت (شهر، ایالت، منطقه، کشور) را با یکدیگر مقایسه کرد؟

and showed that one of important and influential factors in urban quality of life is national governance quality. It also showed that rule of law is the most influential governance variable on urban quality of life, which can explain about two-thirds of its variance. Therefore, it can be inferred that for decision makers and officials in national or local roles to increase urban quality of life, one appropriate way to do that is by increasing the national (and also urban) quality of governance as a whole. However, if there were a lack of resources and possibilities to increase governance as a whole, the one governance quality that can have the most influence on urban quality of life would be the rule of law. So devising policies, strategies and activities that increase rule of law in any country, can lead to an increase in urban quality of life. Since legal mechanisms in Iran, is mostly defined in national contexts, this result is another testament for the importance of national circumstances on urban quality of life.

Keywords: cross-section analysis, good governance, governance quality, quality of life

یکی از روشهای بسیار معمول برای سنجش و مقایسه وضعیت کلی کشورها، استفاده از شاخصهای کلان اقتصادی و در رأس آنها رشد اقتصادی یا رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) است. این شاخص اگرچه می‌تواند بخشی از واقعیت‌های کشورها را به تصویر بکشد، اما نقاط ضعف زیادی نیز دارد: «آماري که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرند نمی‌توانند برخی از پدیده‌ها را که تأثیر روزافزونی بر رفاه شهروندان دارند مورد بررسی قرار دهند. به‌عنوان مثال، وجود ترافیک ممکن است تولید ناخالص داخلی را به سبب افزایش مصرف بنزین افزایش دهد، ولی به وضوح باعث کاهش کیفیت زندگی می‌شود». همچنین در شرایطی که نابرابریهای زیاد وجود دارد، تولید ناخالص داخلی و یا هر سرانه محاسبه شده در کل جمعیت، ارزیابی دقیقی از موقعیت واقعی اکثریت مردم به عمل نمی‌آورد. اگر میزان نابرابری با تناسبی کافی نسبت به افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، اکثر مردم ممکن است شرایط بدتری را

تجربه کنند حال آن که درآمد متوسط در حال افزایش است (استیگلیتز^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). افزون بر آن، سنجش‌های کلان اقتصادی نمی‌توانند به خوبی دلایل تفاوت در شرایط کشورها همچون نابرابری، بیکاری، جرم، نبود حمایت‌های اجتماعی، خودکشی، نرخ طلاق و بسیاری از موارد دیگر را تبیین نمایند (ایسترلین^۲، ۲۰۰۹؛ بارتولینی^۳، ۲۰۱۷). بنابراین برای مقایسه وضعیت کشورها ملاک‌های دیگری نیز می‌بایست مد نظر قرار گیرند.

یکی از معیارهای اثرگذار بر زندگی جوامع و کشورها، کیفیت حکمروایی در آنهاست. این معیار با توجه به ابعاد گسترده حکمروایی می‌تواند بسیاری از خلأهای شاخص رشد اقتصادی را پر کند. در دهه‌های اخیر علاقه پژوهشگران به موضوع «کیفیت حکمروایی» در کشورهای در حال توسعه به سطح بالایی رسیده است. افرادی که این رشد را رقم زده‌اند، به دنبال شناسایی شرایط یا ارزیابی موقعیت‌هایی هستند که به افزایش ثبات سیاسی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، رشد اقتصادی یا اندازه کارآمد بازار، کاهش فقر، احترام به حقوق بشر و توسعه بلندمدت می‌انجامد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۴، ۲۰۰۶). امروزه پژوهش در مورد اثرات کیفیت حکمروایی (حکمروایی خوب) بر ابعاد مختلف زندگی بشر (کلان یا خرد، اجتماعی یا اقتصادی یا زیست‌محیطی، عینی یا ذهنی و ...) تبدیل به یکی از حوزه‌های مهم پژوهشی در میان صاحب‌نظران شده است

«حکمروایی خوب»^۵ در اهداف توسعه هزاره^۶ ملل متحد به‌عنوان عنصری اساسی معرفی شده است، زیرا «حکمروایی خوب» چارچوب مناسبی را برای مبارزه با فقر، نابرابری و بسیاری از نواقص دیگر زندگی بشری فراهم می‌کند. همین نکته پژوهشگران را بر آن داشته است که تمرکز خاصی را صرف پژوهش در زمینه حکمروایی نمایند (سازمان ملل متحد^۷، ۲۰۰۷).

حکمروایی خوب به‌صورت مستقیم می‌تواند عامل افزایش خوشبختی باشد. اثرات

1. Stiglitz

2. Easterlin

3. Bartolini

4. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

5. good governance

6. Millennium Development Goals

7. United Nations (UN)

حکمروایی خوب بر خوشبختی، شامل ایجاد شرایطی است که به بهبود متوسط خوشبختی منجر می‌شوند؛ افزایش ثروت، آزادی اقتصادی، برابری جنسیتی، سلامت و ایمنی. به همین ترتیب حکمروایی می‌تواند با ایجاد شرایط ثابت و قابل پیش‌بینی، آزادی فردی را ایجاد و امکان اتخاذ تصمیمات مورد نظر افراد را فراهم کند (وینهوون، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر، امروزه مفهوم کیفیت زندگی به خاطر آن که به ابعاد مختلف زندگی بشری مرتبط می‌شود، تبدیل به یکی از متغیرهای کلیدی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مقیاسهای مختلف تصمیم‌گیری شده است (نیکولووا، ۲۰۱۵). در واقع کیفیت زندگی تبدیل به عیاری برای ارزیابی میزان موفقیت کشورها و دولتها در اداره امور شهروندان و جلب رضایت آنان شده است. همین اهمیت باعث شده است که سنجش کیفیت زندگی، یکی از دستورکارهای نهادهای متعدد بین‌المللی باشد.

دولتهای محلی (در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته) و نهادهای اداره امور محلی (مثل شهرداری در کشورهایی همچون ایران) اگر چه دارای سطوحی از اختیارات و منابع برای پیشبرد اهداف و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان هستند، اما به هر حال از فعل و انفعالات و جریانها و تغییرات ملی تأثیر می‌پذیرند. افزون بر آن، بخشی از ابعادی که بر زندگی شهروندان نیز اثرات بسیاری دارد، خارج از اختیار و کنترل دولتهای محلی یا شهرداریهاست (جکسون و سیگال، ۲۰۰۴؛ واکر، ۲۰۰۲). اگر هدف غایی دولتهای ملی و محلی را افزایش کیفیت زندگی شهروندان بدانیم، بخش مهمی از آن تا حدود زیادی تحت تأثیر تصمیمات دولت مرکزی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در کشورهایی که فاقد دولت محلی بوده و دولت مرکزی در امور محلی نیز مداخله می‌کند، این تأثیرگذاری بیشتر نیز باشد. همین مسئله، توجه به آثار دولت مرکزی بر کیفیت زندگی محلی را به حوزه موضوعی مهمی برای پژوهش بدل می‌کند.

-
- | | |
|----------------------|-------------|
| 1. Veenhoven | 2. Nikolova |
| 3. Jackson and Segal | 4. Walker |

بر اساس آنچه گفته شد، یکی از ابعاد مهم ملی که بر تمامی ساحت‌های زندگی شهروندان اثر می‌گذارد، کیفیت حکمروایی است. از همین رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از داده‌های بین‌المللی به بررسی رابطه کیفیت حکمروایی (در سطح ملی) و کیفیت زندگی (در سطح شهر) بپردازد. تا کنون پژوهش‌های بسیاری به ارزیابی رابطه کیفیت حکمروایی با سایر پدیده‌ها و کیفیت زندگی با سایر پدیده‌ها پرداخته‌اند. حتی پژوهشهایی نیز وجود دارند که به ارزیابی رابطه کیفیت حکمروایی و کیفیت زندگی پرداخته‌اند، اما در این موارد کیفیت زندگی بر اساس شاخصهای ملی (همچون شاخص توسعه انسانی ملل متحد) سنجیده شده است و هیچ‌گاه اثر حکمروایی در سطح ملی بر کیفیت زندگی در سطح شهری مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، این پژوهش در تلاش است که اثر حکمروایی ملی را بر کیفیت زندگی شهری مورد توجه قرار دهد. اهمیت این پژوهش نیز در آن است که افزون بر سنجش این رابطه، می‌تواند سنجشگر مناسبی برای ارتباط بین دو مقیاس ملی و محلی بوده و رهگشای خوبی برای بهبود شرایط محلی با تغییر در حکمروایی ملی باشد. همین تأکیدها ضرورت پژوهش حاضر را بیش از پیش نشان می‌دهد، زیرا این پژوهش به جای تمرکز بر شاخصهای صرفاً اجتماعی - اقتصادی و اثر آن بر کیفیت زندگی مردم کشورها، بر آن است که شاخصهای ترکیبی عینی - ذهنی حکمروایی و اثرات آن را بر کیفیت زندگی مورد تحلیل قرار دهد. افزون بر آن، این پژوهش در نهایت به مقدار اثرگذاری هر یک از شاخصهای حکمروایی بر کیفیت زندگی شهری نیز خواهد پرداخت.

مرور متون نظری

حکمروایی

حکمروایی واژه ساده‌ای است که مفاهیم پیچیده‌ای دارد. این واژه همچون چتر فراگیری برای توصیف طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها نظیر شبکه‌های سیاست، مدیریت امور عمومی،

هماهنگی بخشهای اقتصاد، مشارکت عمومی-خصوصی و اداره شرکتها به کار می‌رود (شریف‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۵).

مفهوم حکمروایی (و به تبع آن حکمروایی خوب) در دهه ۱۹۸۰ میلادی در ابتدا از طرف بانک جهانی و سپس توسط صندوق بین‌المللی پول^۱، برنامه توسعه ملل متحد^۲ و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به‌عنوان یک برونیابی مثبت از تجارب منفی که این سازمانها در کشورهای در حال توسعه داشتند، یعنی بی‌تأثیر بودن کمکهای مالی، مطرح شد (ایسترلی^۳، ۲۰۰۲). سازمانهای فوق‌الذکر به این نتیجه رسیده بودند که این تجربه منفی، نتیجه نبود نهادها، اصول و ساختارهایی است که در کل تحت عنوان حکمروایی نامیده می‌شوند (درشلر^۴، ۲۰۰۴). حکمروایی فرایندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمانها و نهادهای رسمی برنامه‌ریزی و مدیریت امور (ملی، منطقه‌ای محلی) از یک سو و نهادهای غیر رسمی جامعه مدنی از سوی دیگر شکل می‌گیرد (شریف‌زادگان و شمس کوشکی، ۱۳۹۴). در دو دهه اخیر به سبب نیروهای آزادسازی تجاری و جهانی‌شدن، بسیاری از دولتها دریافته‌اند که راه مفید و مؤثر برای اجرای سیاستهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، مشارکت با بخش خصوصی و جامعه مدنی است. حکمروایی مفهومی است که به مجموعه قواعد، هنجارها، رویه‌ها و تجاربی اطلاق می‌شود که چگونگی اعمال قدرت، هدف از اعمال قدرت و چگونگی تقسیم و وزندهی قدرت در تصمیم‌گیری را مشخص می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، حکمروایی به چگونگی تصمیم‌گیری می‌پردازد (خان^۵، ۲۰۰۵). معمولاً «حکمروایی خوب» فرایندی است که با معیارهایی همچون پاسخ‌گویی، فراگیری، مشارکت، انسجام، حساب‌پذیری و عدالت همراه است (گراهام^۶ و همکاران، ۲۰۰۳).

1. International Monetary Fund (IMF)

2. United Nations Development Programme (UNDP)

3. Easterly

4. Drechsler

5. Khan

6. Graham

حکمروایی مفهومی بسیار گسترده است که در سطوح مختلفی عمل می‌کند؛ از سطح خانوار، روستا و شهر گرفته تا سطوح کلان‌تر همچون کشور، منطقه و جهان، اما نکته مهم آن است که نباید مفهوم حکمروایی را به دولت فرو کاست (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷). حکمروایی مجموعه سنتها و نهادهایی است که از طریق آنها اقتدار در سطوح اجرایی مختلف پیاده می‌شود. حکمروایی شامل فرایندی است که تعیین می‌کند دولت‌ها چگونه انتخاب شوند، مورد نظارت قرار گیرند و جای خود را به دولت‌های بعدی بدهند. این مفهوم ظرفیت دولت برای صورت‌بندی و اجرای سیاستها به صورت مؤثر و احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که میان‌کنشهای اقتصادی و اجتماعی میان آنها را تنظیم می‌کند را نشان می‌دهد (کافمن و همکاران^۱، ۱۹۹۹، ۲۰۰۹). حکمروایی به میان‌کنش ساختارها، فرایندها و سنتها می‌پردازد و تعیین می‌کند که قدرت و مسئولیتها چگونه اعمال شوند، تصمیمها چگونه گرفته شوند و شهروندان و سایر بهره‌وران چگونه نظرات خود را اعلام کنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۳). حکمروایی مفهومی چندوجهی است که تمامی جنبه‌های اعمال اقتدار از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی در مدیریت منابع یک کشور را شامل می‌شود. کیفیت حکمروایی بر اساس اثر این اعمال قدرت بر کیفیت زندگی شهروندان تعیین می‌شود (رودشتاین و ثورل^۲، ۲۰۰۸). در مقیاس شهری، اداره شهرها صرفاً به دولت محلی محدود نیست، بلکه شامل طیف وسیعی از همه ذی‌نفعان شهری شامل دولت مرکزی، بخش خصوصی، نهادها و سازمانهای غیر دولتی مردم‌نهاد، رسانه‌ها، تشکلهای حرفه‌ای و تخصصی و سایر اعضای جامعه مدنی است (شریف‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۵).

حکمروایی دربرگیرنده تمامی اشکال عمل جمعی است که به نحوی بر حوزه عمومی متمرکز می‌شوند؛ از اعمالی که توسط نهادهای رسمی دولتی صورت می‌گیرند، گرفته تا گروههای فشار،

1. Kaufmann

2. Rothstein and Teorell

گروههای خودگردان و پوششها و جنبشهای سیاسی که با هدف مقاومت یا به چالش کشیدن روابط غالب حکمروایی ایجاد می‌شوند (هیلی^۱، ۲۰۰۶). عمل حکمروایی نیز با تکیه بر ارزشهای اجتماعی، سنتهای غیر رسمی، تجارب مورد پذیرش و قواعد نانوشته رفتاری انجام می‌شود.

حکمروایی زمانی «خوب» است که تخصیص و مدیریت منابع را به‌گونه‌ای انجام دهد که پاسخگوی مشکلات جمعی باشند. به عبارت دیگر، کالاهای عمومی لازم می‌بایست به‌صورتی کارا در اختیار شهروندان قرار گیرد (راتبرگ^۲، ۲۰۰۴). حکمروایی خوب شهری مجموعه‌ای است از فعالیتهایی که در کنار هم توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نواحی شهری را شکل می‌دهند و هدایت می‌کنند (شریف‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۵). برای وجود حکمروایی خوب، سیاستهایی که به تأمین کالاهای عمومی می‌پردازند، می‌بایست بر اساس اصولی همچون حقوق بشر، دموکراسی، شفافیت، مشارکت و تمرکززدایی از قدرت، مدیریت عمومی مطلوب، پاسخگویی، حاکمیت قانون، کارآمدی، عدالت و چشم‌انداز راهبردی تدوین شوند. گزارش توسعه انسانی ملل متحد از حکمروایی خوب به‌عنوان «ضرورتی دموکراتیک برای رها ساختن جوامع از فساد، اعطای حقوق، ابزارها و ظرفیت مشارکت در تصمیم‌گیریهایی که زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پاسخگو ساختن دولت‌ها نسبت به اقداماتشان» یاد می‌کند. حکمروایی خوب به پایداری محیط زیست، عدالت بین انسانها، آزادی بشر و کاهش فقر، محرومیت، ترس و خشونت می‌انجامد (چیما^۳، ۲۰۰۵).

بنابر آنچه گفته شد، حکمروایی را بر اساس اهداف این پژوهش می‌توان چنین تعریف کرد: «حکمروایی دربرگیرنده سنتها و نهادهایی است که تعیین می‌کنند اقتدار و نظارت بر آن چگونه اعمال شود، تصمیم‌گیریها چگونه باشند و نظرات مردم و ذی‌نفعان چگونه در تصمیمات دخالت داده شوند». کیفیت حکمروایی نیز به کیفیتهایی (اعم از مثبت یا منفی) اطلاق می‌شود که فرایند حکمروایی می‌تواند در بر داشته باشد.

1. Healey
2. Rotberg
3. Cheema

کیفیت زندگی

سابقه مفهوم کیفیت زندگی در علوم مرتبط با سلامت را می‌توان تا دهه ۱۹۴۰ میلادی بازیابی کرد. در دوران جنگ جهانی دوم بود که رابطه‌ای میان کیفیت زندگی و سیاست‌گذاری سلامت تبیین شد. دانشمندان علوم اجتماعی درگیر در اقدامات جنگ جهانی دوم نیز، توجهات را به نیروهای اجتماعی و روان‌شناختی اثرگذار بر سلامت و رفاه افراد معطوف کردند (لند^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). توجه به مفهوم کیفیت زندگی بعدها توسط نهادهایی همچون سازمان جهانی بهداشت و اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم طبیعی و انسانی دنبال شد. مثلاً در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، جنبش شاخصهای اجتماعی^۲ با تمرکز بر کیفیت زندگی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی شکل گرفت (لند، ۱۹۹۶). این جنبش بر این باور بود که تلاشهای جوامع برای رشد اقتصادی (که در آن دوران بسیار متداول بود) منجر به بی‌توجهی به سایر ابعاد کیفیت زندگی انسان شده و نمی‌تواند پیشرفت جوامع را به خوبی تبیین کند. این جنبش بر «هزینه‌های اجتماعی» رشد اقتصادی تأکید نمود و این نگاه که «رشد اقتصادی بیشتر منجر به بهتر شدن زندگی انسانها می‌شود» را مورد انتقاد قرار داد.

مفهوم کیفیت زندگی، از دهه ۱۹۶۰ میلادی در حوزه علوم انسانی مطرح شد. این عبارت ابعاد مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد؛ از «زیست‌پذیری» شهرها و کشورها گرفته تا اهداف و اثرات سیاست‌گذاری اجتماعی؛ از منافع نسبی مدل‌های مختلف تأمین خدمات انسانی گرفته تا اثرات فردی اقدامات مختلف درمانی و روان‌درمانی (رپلی^۳، ۲۰۰۲). اما در دهه ۱۹۸۰ میلادی، توجه به مفهوم کیفیت زندگی، همراه با افول جنبش شاخصهای اجتماعی رو به خاموشی گذاشت (لند، ۱۹۹۶؛ لند و همکاران، ۲۰۱۲).

مجدداً در دهه ۱۹۹۰ میلادی بود که مفهوم کیفیت زندگی مورد توجه گسترده عمومی،

1. Land
2. Social Indicators Movement
3. Rapley

سیاسی و نظری قرار گرفت تا جایی که به گفته رابرت اجرتون، قوم شناس معروف، عبارت کیفیت زندگی به عبارت محبوب دهه ۱۹۹۰ میلادی تبدیل شده بود (اجرتون، ۱۹۹۰؛ به نقل از رپلی، ۲۰۰۳). در این دهه افزایش کیفیت زندگی به عنوان یکی از اهداف سیاست‌گذاری اجتماعی و علم سیاست مطرح شد. یکی از علل اقبال به این مفهوم آن بود که کیفیت زندگی، بسیاری از حوزه‌های زندگی انسان را در بر می‌گرفت و افزون بر موقعیتهای فردی مادی و غیرمادی او، بر جنبه‌های جمعی زندگی انسانها همچون آزادی، عدالت و تضمین شرایط زندگی طبیعی برای نسلهای حال و آینده پای می‌فشرد (فریس^۱، ۲۰۰۱؛ به نقل از رپلی، ۲۰۰۳).

مفهوم کیفیت زندگی در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی تا به حدی مورد توجه واقع شد که شاخصهای ترکیبی بسیاری برای سنجش این مفهوم توسط اندیشمندان و نهادهای بین‌المللی ایجاد شدند. این شاخصهای ترکیبی اغلب برای تجمع شاخصهای مختلف کیفیت زندگی (اعم از عینی و ذهنی) به‌طور کلی یا در حوزه‌های مشخص (کودکان و جوانان، سالمندان، گروههای اقلیت قومی و نژادی، شهرها، ایالات یا مناطق) به کار گرفته می‌شوند (لند و همکاران، ۲۰۱۲). در مورد تعریف کیفیت زندگی، اجماعی در میان اندیشمندان وجود ندارد. اما می‌توان آن را «شرایط کم و بیش مطلوب یا رضایت‌بخش زندگی انسانها» تعریف نمود (ژالای^۳، ۱۹۸۰؛ به نقل از دیسارت و دلر^۴، ۲۰۰۰). کیفیت زندگی می‌تواند برای افراد مختلف حاوی معانی متفاوتی از کیفیت زندگی افراد تا کیفیت مکان باشد. اما هر چه باشد، کیفیت زندگی یکی از ملاحظات قابل توجه برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مورد جمعیتها و مکانهاست (دیسارت و دلر، ۲۰۰۰). ارزش رویکرد کیفیت زندگی در این است که بر اساس آن می‌توان شرایط جوامع مختلف را ارزیابی نموده و مورد مقایسه قرار داد (البر^۵ و همکاران، ۲۰۰۸). کیفیت زندگی را از سه منظر می‌توان مورد ارزیابی قرار داد (ناسبام و سن^۶، ۱۹۹۳):

1. Edgerton

2. Ferriss

3. Szalai

4. Dissart and Deller

5. Alber

6. Nussbaum and Sen

۱. نگرشی فلسفی در مورد زندگی مطلوب: زندگی مطلوب چه شکلی از زندگی است و چه ویژگیهایی دارد؟
 ۲. ارزیابی مشروعیت کیفیت زندگی به عنوان هدف سیاسی: آیا کیفیت زندگی هدفی است که انسانها می‌خواهند از طریق ابزارهای سیاسی بدان نائل شوند؟
 ۳. ارزیابی مطلوبیت کیفیت زندگی به عنوان سنجه‌ای برای ارزیابی مداخلات سیاسی-اقتصادی؛ آیا به وسیله کیفیت زندگی می‌توان موفقیت سیاست و اقتصاد را سنجید؟
- پژوهشگرانی که به کیفیت زندگی پرداخته‌اند، سه رویکرد روش‌شناختی مفهومی را برای مقاصد تجربی خود مد نظر قرار داده‌اند؛ کار با شاخصهای عینی، کار با شاخصهای ذهنی و ترکیبی از این دو نوع شاخص (کاستانزا^۱ و همکاران، ۲۰۰۷؛ به نقل از کامپانرا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). کیفیت زندگی عینی به استاندارد زندگی افراد وابسته است؛ در حالی که کیفیت زندگی ذهنی «میزان تطابق ذهنی زندگی افراد با استانداردهایی درونی است که از نظر آنان برای زندگی مطلوب لازم هستند» (اونز^۳، ۱۹۹۴؛ به نقل از دیسارت و دلر، ۲۰۰۰).
- شاخصهای عینی به شرایط واقعی زندگی افراد فارغ از نوع نگرش آنها مربوط می‌شوند. برای مثال سطح درآمد، موقعیت شغلی، مکان زندگی، امید به زندگی و ... شاخصهای عینی هستند. برای سنجش شاخصهای عینی نیازی به پیمایش مستقیم افراد نیست. در مقابل، شاخصهای ذهنی به بررسی «تفکر» یا «احساس» افراد در مورد زندگی خویش می‌پردازند. احساس رضایت، احساس امنیت، احساس خوشبختی و ... نمونه‌هایی از شاخصهای ذهنی هستند (دیسارت و دلر، ۲۰۰۰). در جدول (۱) برخی از شاخصهای عینی و ذهنی سنجش کیفیت زندگی مطرح شده‌اند.

1. Costanza
2. Campanera
3. Evans

جدول (۱) شاخصهای عینی و ذهنی کیفیت زندگی

شاخصهای عینی	شاخصهای ذهنی
امید به زندگی	حس تعلق
نرخ جرم	حس دارایی
نرخ بیکاری	حس ایمنی
تولید ناخالص داخلی	شادی
نرخ فقر	رضایت از کلیت زندگی
نرخ تحصیل	رابطه با خانواده
ساعات کاری در هفته	رضایت شغلی
نرخ مرگ و میر حین زایمان	رضایت از عدالت توزیعی
نرخ خودکشی	عضویت در گروهها

منبع: هگرتی^۱ و همکاران، ۲۰۰۱؛ ربلی، ۲۰۰۳

کیفیت زندگی را می‌توان در دو دسته متمایز تقسیم‌بندی نمود؛ تقسیم‌بندی‌ای که منجر به ایجاد یک ماتریس چهارگانه می‌شود. دسته اول به تفاوت میان فرصتهای مناسب برای زندگی مطلوب باز می‌گردد و دسته دوم، به تفاوت میان کیفیتهای بیرونی و درونی زندگی در اولین مورد، کیفیت در محیط معنا می‌شود و در دومین مورد، کیفیت در خود فرد جستجو می‌گردد (وینهون، ۲۰۱۲). ترکیب این دو مورد منجر به ایجاد ماتریس چهارگانه کیفیت زندگی می‌شود (جدول ۲).

جدول (۲) کیفیتهای چهارگانه زندگی

کیفیتهای بیرونی	کیفیتهای درونی	
قابلیت زندگی در محیط	مهارتهای زیستی فرد	فرصتهای زندگی
مطلوبیت زندگی	رضایت از زندگی	نتایج زندگی

منبع: وینهون، ۲۰۱۲

1. Hagerty

«قابلیت زندگی در محیط» دایر بر قابلیت زندگی در محیط طبیعی است. این کیفیت از منظر بوم‌شناسان بر اساس عواملی همچون آلودگی هوا، گرمایش جهانی و تنزل محیط طبیعی سنجیده می‌شود. از منظر برنامه‌ریزان شهری، زیست‌پذیری در محیط ساخته‌شده با عواملی همچون سیستم‌های آب و فاضلاب، نبود ترافیک و سکونت‌گاه‌های غیررسمی و نامطلوب تعریف می‌شود. دومین کیفیت یعنی «مهارت‌های زیستی فرد» به میزان آمادگی افراد برای مواجهه با مشکلات زندگی اطلاق می‌شود. سن (۱۹۹۲) این کیفیت زندگی را با عنوان «قابلیت^۱» مطرح می‌کند. این آمادگی از مواردی همچون نداشتن نقص جسمی و سلامتی (سلامت منفی) آغاز شده و تا مهارت‌های زیستی همچون آموزش و خودشکوفایی ادامه می‌یابد. «مطلوبیت زندگی» به ارزش‌های فراتر از شرایط زیستی خود فرد مربوط می‌شود. این کیفیت که برخی آن را کیفیت‌های استعلایی^۲ و برخی دیگر معنای زندگی خوانده‌اند، به اثرات خارجی زندگی فرد مرتبط می‌شود. این مورد می‌تواند مفید بودن فرد برای اطرافیان یا برای کل جامعه را در بر گیرد. در چنین شرایطی، یک مخترع که اثرات فراوانی بر زندگی نوع بشر گذاشته است، از منظر مطلوبیت زندگی جایگاه بالایی می‌یابد. کیفیت آخر یعنی «رضایت از زندگی» کاملاً به نگاه فرد وابسته است. در واقع این کیفیت کاملاً ذهنی و مبتنی بر ارزیابی فرد از شیوه زندگی خود است. از این منظر ممکن است یک پزشک که جان بسیاری از انسانها را نجات داده، از زندگی خود راضی نباشد ولی یک کارمند ساده، احساس رضایت زیادی داشته باشد؛ هر چند معمولاً ارزیابی‌های افراد از زندگی خود، هم به میزان توقع آنان از زندگی مطلوب و هم به واقعیت زندگی آنان وابسته است (وینهون، ۲۰۱۲).

نکته‌ای که در مورد رابطه متغیرهای کلان و کیفیت زندگی وجود دارد، دوطرفه بودن این رابطه است. از سویی افزایش کیفیت متغیرهای کلان منجر به افزایش کیفیت زندگی می‌شود و

1. capability

2. transcendental

از سویی، شواهد نشان می‌دهد که افزایش کیفیت زندگی می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری، طول عمر و خلاقیت افراد شود (دی نیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳؛ به نقل از نیکولوا، ۲۰۱۵)؛ عواملی که می‌توانند بر متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی کشورها اثرگذار باشند. برای مثال رضایت افراد از زندگی، منجر به افزایش مشارکت سیاسی آنها در انتخابات می‌شود.

پیشینه تجربی

از آنجا که مقاله حاضر در صدد سنجش رابطه بین دو مفهوم کیفیت حکمروایی (ملی) و کیفیت زندگی (شهری) است، قسمت پیشینه می‌تواند در سه بخش تشریح شود:

۱. پژوهشهایی که به بررسی رابطه حکمروایی و سایر موضوعات زندگی بشری پرداخته‌اند.
۲. پژوهشهایی که به بررسی رابطه کیفیت زندگی و سایر موضوعات بشری پرداخته‌اند.
۳. پژوهشهایی که به بررسی رابطه حکمروایی (و کیفیتهای مشابه همچون کیفیت نهادی) و کیفیت زندگی (و کیفیتهای مشابه همچون خوشبختی و توسعه انسانی) پرداخته‌اند.

به دلیل محدودیت حجم مقاله، در قسمت پیشینه تنها پژوهشهایی مطرح می‌شوند که به رابطه این دو مفهوم (و مفاهیم مشابه آنها) با یکدیگر پرداخته‌اند. نکته مهم در این پژوهش آن است که مفهوم حکمروایی تنها در سطح ملی مطرح نشده و ما به ازای شهری آن نیز موجود است. اما در سطح بین‌المللی، داده‌های حکمروایی شهری برای شهرهای مختلف جهان وجود ندارد. همین مسئله باعث شده است که این پژوهش از داده‌های کیفیت حکمروایی جهانی - که به سطوح ملی حکمروایی می‌پردازند - بهره گیرد. بدیهی است در این شرایط مقادیر امتیاز کیفیت حکمروایی هر شهر، بر اساس مقادیر کشور مربوط به آن وارد تحلیلهای این مقاله شده است.

a. پیشینه پژوهش درباره رابطه کیفیت حکمروایی و کیفیت زندگی (و مفاهیم مرتبط با آنها) نتایج برخی از پژوهشها حاکی از آن است که کیفیت دولت اثر قابل توجهی بر متوسط خوشبختی دارد و خوشبختی در کشورهایی با حکمروایی بهتر، بالاتر است (هلویل و هوانگ، ۲۰۰۸).

آت (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های تفصیلی که سطح خوشبختی ۱۳۰ کشور فقیر و غنی را در سال ۲۰۰۶ گزارش می‌کردند، به بررسی اثرات دولت بر خوشبختی شهروندان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده رابطه مثبت میان کیفیت دولت -به‌ویژه کیفیت تخصصی آن- و متوسط خوشبختی در کشورها بود. حکمروایی خوب تنها سطح بالاتری از خوشبختی را ایجاد نمی‌کند، بلکه نابرابری شاخص خوشبختی در میان شهروندان را نیز کاهش می‌دهد. رابطه میان حکمروایی و نابرابری در سطح خوشبختی، رابطه‌ای خطی نیست، بلکه الگویی زنگوله‌ای شکل دارد؛ بدین صورت که بالاترین نابرابری سطح خوشبختی در کشورهایی وجود دارد که کیفیت دولت در آنها در سطح متوسط است. رابطه میان اندازه دولت و متوسط خوشبختی وابستگی فراوانی به کیفیت دولت دارد. دولت مطلوب بزرگ، بر خلاف دولت نامطلوب بزرگ به افزایش خوشبختی منجر می‌شود.

پژوهش نیکولووا (۲۰۱۵) به بررسی اثرات کیفیت حکمروایی بر فاصله رضایت از زندگی (جنبه ذهنی کیفیت زندگی) در کشورهای پسا-سوسیالیستی در حال گذار و کشورهای توسعه‌یافته پرداخته است. نتایج نشان داد که عوامل کلان اقتصادی و حاکمیت قانون مواردی هستند که این تفاوت را به شکل قابل توجهی تبیین می‌کنند. وی معتقد است که افزایش کیفیت اقتصاد کلان و نهادهای کشورهای پسا-سوسیالیستی و گذار آنها به اقتصاد آزاد می‌تواند منجر به افزایش کیفیت زندگی آنان در حد کیفیت زندگی کشورهای پیشرفته غربی شود.

پژوهش دورن^۱ و همکاران (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های ۲۸ کشور به بررسی اثر دموکراسی بر رضایت ذهنی از زندگی پرداخته و با کنترل عواملی همچون درآمد و فرهنگ (مبتنی بر دو شاخص زبان و مذهب) رابطه مثبتی را میان این دو پدیده گزارش کرده است. بر اساس این پژوهش، اثر دموکراسی بر خوشبختی در کشورهای دارای پیشینه دموکراتیک بیشتر، قابل توجه‌تر است.

گروئن و کلاسن^۲ (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های «خانه آزادی» درباره حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی، بدین نتیجه رسیدند که آزادیهای مدنی رابطه مستقیمی با رضایت از زندگی دارد. بررسی پیشینه‌های مطرح‌شده که به سنجش رابطه حکمروایی (و سایر شاخصهای نزدیک به آن) و کیفیت زندگی (و سایر شاخصهای نزدیک به آن) پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که این پژوهشها بیشتر در فضای بین‌المللی صورت گرفته‌اند و در ایران خلأ جدی در این زمینه وجود دارد. ضمن این که پژوهشهای بین‌المللی نیز بیشتر به اثر شاخصهای سطح ملی بر شاخصهای دیگر در همان سطح ملی پرداخته‌اند و تلاش نکرده‌اند رابطه یک مقیاس با مقیاس دیگر را مد نظر قرار دهند.

نهادهای معتبر بین‌المللی هر ساله با استفاده از روش‌شناسیهای مشخص و شفاف، اقدام به ارائه گزارشهایی برای سنجش کیفیت حکمروایی یا نظایر آن در سرتاسر جهان می‌کنند. از این میان می‌توان به پایگاههای داده «راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها»، «خانه آزادی»، «مؤسسه بین‌المللی شفافیت» و بانک جهانی اشاره کرد. از آنجا که داده‌های مربوط به حکمروایی در این پژوهش از بانک جهانی برگرفته شده‌اند، در این قسمت تنها به شاخصهای بانک جهانی پرداخته می‌شود.

1. Dorn
2. Gruen and Klasen

معرفی داده‌های پژوهش

شاخص حکمروایی بانک جهانی

یکی از مهمترین، تأثیرگذارترین و پرارج‌ترین شاخصهای بین‌المللی، شاخص حکمروایی جهانی^۱ است که از سال ۱۹۹۶ توسط دنیل کافمن^۲ و همکاران با حمایت «مؤسسه بانک جهانی»^۳ منتشر شد. انتشار این شاخص ابتدا به صورت دوسالانه بود، اما به تدریج تبدیل به گزارش سالانه شد. این شاخص در میان رسانه‌ها، محققان و سازمانهای بین‌المللی بیشترین کاربرد را یافته است. شاخصهای حکمروایی بانک جهانی که توسط کافمن و همکاران او تدوین شده‌اند، دقیق‌ترین ساختار را داشته و در پژوهشهای بین‌المللی، بیشترین کاربرد را داشته‌اند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۶).

یکی از نهادهای بین‌المللی که معتبرترین و جامع‌ترین داده‌های حکمروایی را منتشر می‌کند، بانک جهانی است. در واقع حسن داده‌های حکمروایی بانک جهانی در این است که به خاطر سیاستهای بانک جهانی، کشورهای کمتر توسعه یافته را نیز در بر می‌گیرد (ون د وال، ۲۰۰۵). شاخصهای حکمروایی جهانی ۲۱۵ کشور را در بر می‌گیرد. مؤسسه بانک جهانی^۴ از سال ۱۹۹۶ میلادی بدین سو هر ساله مقادیر مربوط به کیفیت حکمروایی کشورهای مختلف را با استفاده از روش‌شناسی آماری مشخص و تجمیع داده‌های پایگاههای آماری مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محاسبه و منتشر می‌نماید و هر ساله بر تعداد پایگاههای مورد استفاده در آن افزوده می‌شود تا کیفیت داده‌ها افزایش یابد (مؤسسه بانک جهانی، ۲۰۱۷).

شاخص حکمروایی جهانی، ۶ بعد اصلی را برای حکمروایی معرفی می‌نماید (کافمن و همکاران، ۲۰۱۱). این شاخصها که در دسته‌های دوتایی قرار می‌گیرند، نشانگر ادراک شهروندان

1. World Governance Indicators

2. Daniel Kaufmann

3. World Bank Institute

4. Van de Walle

5. World Bank Institute

و فعالان بخش عمومی و خصوصی از موضوعات هستند (شریف‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۵):
الف: فرایندی که از طریق آن دولتها انتخاب می‌شوند، مورد نظارت قرار می‌گیرند و قدرت خود را واگذار می‌کنند.

۱. **پاسخگویی و امکان اعتراض:** نقش شهروندان یک کشور برای انتخاب دولت همراه با میزان آزادی بیان، آزادی ایجاد تشکلهای و وجود رسانه‌های آزاد.

۲. **ثبات سیاسی و نبود خشونت و تروریسم:** احتمال بی‌ثباتی یا سقوط دولت توسط ابزارهای غیرقانونی یا خشونت‌آمیز همچون خشونت و ترورهای سیاسی
ب: ظرفیت دولت برای صورت‌بندی و اجرای مؤثر سیاستهای معقول و منطقی

۳. **کارآمدی دولت:** کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و میزان استقلال آن
از فشارهای سیاسی، کیفیت صورت‌بندی و اجرای سیاستها و اعتبار تعهد دولت به سیاستهای تعریف‌شده.

۴. **کیفیت مقررات:** توانایی دولت برای صورت‌بندی و اجرای سیاستها و مقررات منطقی و معقول که امکان توسعه بخش خصوصی را فراهم می‌کنند.

پ: احترام شهروندان و حکومت به نهادهای هدایت‌گر میان‌کنشهای اقتصادی و اجتماعی آنان
۵. **حاکمیت قانون:** اعتماد و پیروی کارگزاران مختلف به/از قواعد و قوانین جامعه و به‌ویژه کیفیت تضمین قراردادهای، حقوق مالکیت، برخورد پلیسی با متخلفان، دادگاهها و همچنین احتمال وقوع جرم و خشونت. حاکمیت قانون در واقع موفقیت کشورها در ایجاد محیطی است که در آن، قوانین منصفانه و قابل پیش‌بینی شرایطی را برای میان‌کنشهای اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کنند و حقوق مالکیت افراد به رسمیت شناخته شده و مورد محافظت قرار می‌گیرد.

۶. **کنترل فساد:** مقدار استفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی، شامل فسادهای خرد یا کلان و مقدار اثرگذاری منافع اشخاص و نخبگان در هدایت تصمیمات حکومت.

چنانچه گفته شد، شاخص حکمروایی جهانی از معتبرترین و پرکاربردترین شاخصها در سنجش کیفیت حکمروایی در کشورهاست. از همین رو، از مقادیر این شاخص برای دستیابی به اهداف این مقاله استفاده شده است.

ii. شاخصهای مرتبط با کیفیت زندگی

نهادهای معتبر بین‌المللی (همچون ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) هر ساله گزارشهایی را منتشر می‌کنند که حاوی شاخصهای سنجش کیفیت زندگی یا نظایر آن هستند. با توجه به این که داده‌های این مقاله از پایگاه داده نامبئو^۱ برگرفته شده‌اند، در این قسمت صرفاً این پایگاه داده معرفی می‌شود.

شاخص کیفیت زندگی پایگاه داده نامبئو

شاخص کیفیت زندگی شهری پایگاه نامبئو، برآوردی از کیفیت عمومی زندگی در شهرهاست که معیارهای زیر در آن موردنظر قرار گرفته‌اند: «شاخص قدرت خرید»، «شاخص آلودگی هوا»، «نسبت قیمت مسکن به درآمد»، «شاخص هزینه‌های زندگی»، «شاخص ایمنی»، «شاخص مراقبت سلامت»، «شاخص زمان سفر» و «شاخص آب‌وهوا» (نامبئو، ۲۰۱۷).

این شاخصها برای بسیاری از شهرهای جهان استخراج شده و با استفاده از فرمولی مشخص، شاخص ترکیبی کیفیت زندگی شهری در این پایگاه محاسبه شده و رده‌بندی شهرهای مختلف جهان بر اساس کیفیت زندگی به‌طور سالانه گزارش می‌شود.

دو حسن بزرگ شاخص کیفیت زندگی پایگاه نامبئو که در راستای اهداف این پژوهش هستند عبارتند از:

۱. گزارش شاخصهای کیفیت زندگی برای شهرها (و نه کشورها)؛ امری که دقیقاً مطابق با هدف این پژوهش است.

1. Numbeo Database Quality of Life Indicator

۲. وجود داده‌ها برای بسیاری از شهرهای جهان (بیش از ۱۵۰ شهر) که منجر می‌شود کیفیت مطالعه مقطعی مد نظر این پژوهش افزایش یابد و نتایج آن قابلیت استناد و تعمیم بیشتری داشته باشند.

در شکل (۱) نقشه کیفیت زندگی در شهرهای مختلف جهان نشان داده شده است. رنگهای مایل به سبز نشانگر کیفیت زندگی بالاتر و رنگهای مایل به قرمز نشانگر کیفیت زندگی پایین‌تر هستند.



شکل (۱) نقشه کیفیت زندگی شهری در سراسر جهان

منبع: پایگاه نامبو، ۲۰۱۵

بر همین اساس، برای سنجش کیفیت زندگی در شهرها، از داده‌های پایگاه نامبو در این پژوهش استفاده گردید.

روش

این پژوهش با روش تحلیل ثانویه کمی و از طریق تحلیل داده‌های بین‌المللی موجود در دو پایگاه داده «شاخصهای حکمروایی جهانی» از بانک جهانی و «کیفیت زندگی شهری» از پایگاه بین‌المللی نامبو در صدد پاسخگویی به سوالات است. در این راه، ابتدا مقادیر شاخصهای حکمروایی جهانی برای سال ۲۰۱۵ میلادی از تارنمای مرتبط در بانک جهانی^۱ استخراج شدند. همین کار در مورد شاخص کیفیت زندگی شهری پایگاه نامبو نیز صورت گرفت.^۲ انتخاب سال ۲۰۱۵ به‌عنوان سال مبنای تحلیل، بر اساس سه معیار (۱) به‌روز بودن، (۲) وجود (۳) تعدد داده‌های هر دو پایگاه بوده است. بدین ترتیب که در این سال در پایگاه داده نامبو، مقادیر کیفیت زندگی ۱۵۰ شهر ارائه شده است که یکی از بالاترین ارقام است. البته تعداد شهرها در مقادیر سال ۲۰۱۷ پایگاه نامبو به ۱۷۷ شهر رسیده است، اما هنوز مقادیر حکمروایی جهانی برای این سال گزارش نشده است. بنابراین سال ۲۰۱۵ به‌عنوان بهترین گزینه برای تحلیل رابطه میان کیفیت حکمروایی کشورها و کیفیت زندگی شهرها انتخاب شده است.

از آنجا که شاخصهای حکمروایی برای کشورها و شاخص کیفیت زندگی برای شهرها گزارش شده‌اند، با میانگین‌گیری از مقادیر کیفیت زندگی شهرهای هر یک از کشورها، به ازای هر کشور یک رقم برای شاخص کیفیت زندگی شهری در تحلیلها وارد گردید. سپس به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل رگرسیونی رابطه میان کیفیت حکمروایی و کیفیت زندگی شهری بررسی شد.

1. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/#home>

2. <https://www.numbeo.com/quality-of-life/rankings.jsp?title=2015>

یافته‌ها

برای تحلیل رابطه میان حکمروایی ملی و کیفیت زندگی شهری، ابتدا تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام بر اساس ۶ متغیر مستقل (کنترل فساد، کارآمدی دولت، کیفیت مقررات، ثبات سیاسی و نبود خشونت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و امکان اعتراض) و یک متغیر وابسته (کیفیت زندگی شهری) صورت پذیرفت (جدول ۳).

جدول (۳) نتایج تحلیل رگرسیون

خلاصه مدل تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام					
مدل	متغیرهای باقی‌مانده	متغیرهای محذوف	شرایط ابقا/حذف متغیرها		
۱	حاکمیت قانون	سایر شاخصهای حکمروایی	$F \leq 0.05$ ابقا: احتمال حذف: $F \geq 0.1$		
نتایج مدل					
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	
۱	۰/۸۲۶	۰/۶۸۲	۰/۶۷۸	۳۵/۵۶۰۷۲	
ANOVA تحلیل					
Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۱۹۰۱۳۰/۸۰۸	۱	۱۹۰۱۳۰/۸۰۸	۱۵۰/۳۵۳	<۰/۰۰۱
Residual	۸۸۵۱۹/۵۱۸	۷۰	۱۲۶۴/۵۶۵		
Total	۲۷۸۶۵۰/۳۲۷	۷۱			

ضرایب تحلیل رگرسیون برای متغیرهای محذوف						
Model	Beta	t	Sig.	Partial Correlation	Collinearity Statistics	
					VIF	Tolerance
Control Corrup	۰/۰۵۰	۰/۱۸۰	۰/۸۵۸	۰/۰۲۲	۱۶/۷۶۳	۰/۰۶۰
GovEffec	۰/۲۴۲	۰/۹۹۱	۰/۳۲۵	۰/۱۱۸	۱۳/۰۹۵	۰/۰۷۶
PoliticStab	۰/۱۵۰	۱/۳۶۳	۰/۱۷۷	۰/۱۶۲	۲/۶۹۶	۰/۳۷۱
RegulQua	۰/۲۰	۰/۰۹۱	۰/۹۲۷	۰/۰۱۱	۱۰/۷۴۱	۰/۰۹۳
Voice Account	۰/۰۴۹	۰/۴۶۷	۰/۶۴۲	۰/۰۵۶	۲/۴۱۲	۰/۴۱۵

خلاصه مدل تحلیل رگرسیون گام به گام در جدول (۳) نشان می‌دهد که تنها متغیر مستقل «حاکمیت قانون» در میان متغیرهای اثرگذار باقی می‌ماند؛ متغیرهایی که خطای آزمون معناداری آنها کمتر از ۰/۰۵ است. بخش نتایج مدل در جدول ۳ نشانگر آن است که متغیر حاکمیت قانون به عنوان تنها متغیر باقی مانده در روش رگرسیون گام به گام می‌تواند حدود ۶۸ درصد از واریانس کیفیت زندگی شهری را تبیین نماید. این نتیجه نشانگر آن است که متغیرهای مستقل حدود ۶۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در واقع با داشتن متغیرهای مستقل می‌توان تا حدود ۶۸ درصد متغیر وابسته را پیش‌بینی کرد.

تحلیل واریانس (ANOVA) برای رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار خطای کوچکتر از ۰/۰۵ نشانگر معنادار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. این بدین معناست که متغیرهای مستقل از نظر آماری به خوبی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته باشند و مدل رگرسیون با داده‌های ورودی متناسب است.

ضرایب مربوط به تحلیل رگرسیون برای متغیرهای محذوف نیز در پایین جدول ۳ نشان داده شده‌اند.

آنچه در مورد این جدول اهمیت دارد، افزون بر مقادیر ضرایب معادله رگرسیون خطی چندگانه (ستون B)، مقادیر مربوط به هم‌خطی چندگانه^۱ بین متغیرهای مستقل است. مقدار تولرانس برابر است با $(1-R^2)$ که در آن، R^2 ضریب تعیین یا میزان تبیین واریانس هر یک از متغیرهای مستقل توسط سایر متغیرهای مستقل است. در انجام تحلیل رگرسیون چندگانه، کنترل هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا وجود هم‌خطی چندگانه بالا میان متغیرهای مستقل، نتایج تحلیل رگرسیون را شدیداً مخدوش می‌کند. برای سنجش هم‌خطی چندگانه، می‌توان همبستگی متغیرهای مستقل با یکدیگر را به‌طور جداگانه سنجید (مثلاً همبستگی حاکمیت قانون با کیفیت مقررات)، اما مقادیر تولرانس و عامل تورم واریانس (VIF) که در واقع عکس آن است:

$(VIF=1/Tolerance)$ سنجه بهتری برای کنترل هم‌خطی چندگانه متغیرهای مستقل هستند.

چنانچه در جدول (۳) مشخص است، مقادیر تولرانس مربوط به متغیرهای «کنترل فساد»، «کارآمدی دولت» و «کیفیت مقررات» مقادیر بسیار کمی را نشان می‌دهند. این مسئله نشانگر آن است که همبستگی بسیار بالایی میان آنها وجود دارد؛ امری که می‌تواند تحلیل رگرسیونی را دچار خدشه نماید. در حالی که مقادیر متغیرهای «ثبات سیاسی و نبود خشونت» و «پاسخگویی و امکان اعتراض» مقادیر قابل قبول تری را دارا هستند. بنابراین برای شناسایی میزان رابطه هر یک از متغیرها و اثرگذاری آنها بر یکدیگر و متغیر وابسته به گونه‌ای که متغیر «حاکمیت قانون» نیز در محاسبات دخیل شود، تحلیل رگرسیون چندگانه، یک بار دیگر و این بار به روش همزمان انجام می‌شود (جدول ۴).

1. multicollinearity

جدول (۴) خلاصه نتایج مدل تحلیل رگرسیون به روش همزمان

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰/۸۳۳	۰/۶۹۵	۰/۶۶۶	۳۳/۱۸۲۸۴

متغیر وابسته: کیفیت زندگی شهری

متغیرهای تبیین‌گر: ثابت معادله رگرسیون، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و نبود خشونت، پاسخگویی و امکان اعتراض، کیفیت مقررات، کنترل فساد، کارآمدی دولت

میزان واریانس تبیین‌شده توسط ۶ متغیر مستقل به روش همزمان برابر با ۶/۶۶ درصد است؛ مقداری که کمتر از مقدار تبیین‌شده توسط تنها یک متغیر «حاکمیت قانون» در روش گام‌به‌گام است. این بدان معناست که یک متغیر «حاکمیت قانون» بیش از ۶ متغیر (شامل حاکمیت قانون) می‌تواند تبیین‌کننده واریانس کیفیت زندگی شهری باشد. همین مسئله، اثرگذاری نامطلوب هم‌خطی چندگانه متغیرهای مستقل بر تحلیل رگرسیون را به خوبی نشان می‌دهد. در تحلیل رگرسیون به روش همزمان (که بر اساس تحلیل واریانس معنادار است) مقادیر ضرایب رگرسیون تمامی متغیرهای مستقل در جدول (۵) نشان داده شده‌اند.

جدول (۵) ضرایب تحلیل رگرسیون برای کلیه متغیرهای مستقل

Model B	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig. Tolerance	Collinearity Statistics	
	Std. Error	Beta				VIF	
(Constant)	۶۰/۶۶۰	۷/۴۳۴		۸/۱۶۰	<۰/۰۰۱		
Control- Corrup	- ۰/۹۹۰	۱۸/۲۴۶	- ۰/۱۶	- ۰/۰۵۴	۰/۹۵۷	۰/۰۵۱	۱۹/۴۹۱
GovEffec	۱۷/۰۶۶	۲۰/۱۶۵	۰/۲۳۸	۰/۸۴۶	۰/۴۰۱	۰/۰۶۰	۱۶/۷۹۲
PoliticStab	۸/۵۴۲	۸/۰۸۰	۰/۱۲۳	۱/۰۵۷	۰/۲۹۴	۰/۳۴۶	۲/۸۹۰
RegulQua	- ۴/۳۱۹	۱۶/۴۸۸	- ۰/۰۶۴	- ۰/۲۶۲	۰/۷۹۴	۰/۰۷۸	۱۲/۸۶۲
RuleO- fLaw	۳۳/۳۸۹	۲۶/۸۸۸	۰/۵۳۱	۱/۲۴۲	۰/۲۱۹	۰/۰۲۶	۳۸/۹۵۹
VoiceAc- count	۳/۹۳۶	۷/۴۶۶	۰/۰۶۰	۰/۵۲۷	۰/۶۰۰	۰/۳۶۴	۲/۷۴۸

این جدول به خوبی نشان می‌دهد که مقدار تولرانس حاکمیت قانون از همه متغیرها کمتر است. در واقع ۵ متغیر مستقل دیگر به میزان ۹۷/۴ درصد واریانس این متغیر را تبیین می‌کنند. برای حل مشکل هم‌خطی چندگانه متغیرهای مستقل، پیشنهادهای آماری مختلفی ارائه شده‌اند. بنا بر ملاحظات عملی، دو مورد از این پیشنهادها برای این پژوهش قابلیت اجرا دارند که در ادامه مطرح می‌شوند (الیسون، ۱۹۹۹):

(۱) حذف متغیرها

در این روش متغیرهایی که همبستگی بالایی با یکدیگر دارند، حذف می‌شوند و تنها یکی از آنها باقی می‌ماند. در نمونه این پژوهش، دو متغیر «ثبات سیاسی و نبود خشونت» و

1. Allison

«پاسخگویی و امکان اعتراض» به دلیل تولرانس قابل قبول، دست نخورده باقی می‌مانند. از میان چهار متغیر دیگر که با یکدیگر همبستگی بالایی دارند، می‌بایست سه متغیر حذف شوند. از آنجا که در تحلیل رگرسیون گام به گام، متغیر «حاکمیت قانون» بیشترین تبیین را از کیفیت زندگی شهری به دست می‌داد، این متغیر باقی می‌ماند و سه متغیر همبسته با آن حذف می‌شوند. مجدداً تحلیل رگرسیون را برای سه متغیر باقی مانده به روش گام به گام انجام می‌دهیم. نتایج این تحلیل در جدول ۶ ارائه شده است:

جدول (۶) نتایج تحلیل رگرسیون

خلاصه مدل تحلیل رگرسیون گام به گام							
شرایط ابقا/ حذف متغیرها	متغیرهای محذوف		متغیرهای باقی مانده		مدل		
ابقا: احتمال $F \leq 0/05$ حذف: احتمال $F \geq 0/1$	ثبات سیاسی و نبود خشونت پاسخگویی و امکان اعتراض		حاکمیت قانون		۱		
نتایج مدل							
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate			
۱	۰/۸۲۶	۰/۶۸۲	۰/۶۷۸	۳۵/۵۶۰۷۲			
ضرایب تحلیل رگرسیون							
Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	Collinearity Statistics	
	Beta	Std. Error	Beta			Tolerance	VIF
(Constant)	۶۱/۱۳۰	۴/۷۴۵		۱۲/۸۸۲	<۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
Rule Of Law	۵۱/۹۱۳	۴/۲۳۴	۰/۸۲۶	۱۲/۲۶۲	<۰/۰۰۱		

مقادیر این جدول مجدداً مؤید آن هستند که متغیر «حاکمیت قانون» بیشترین تبیین را از کیفیت زندگی شهری به دست می‌دهد. این بدین معناست که حدود ۶۸ درصد واریانس کیفیت زندگی شهری توسط متغیر «حاکمیت قانون» تبیین می‌شود و متغیرهای «ثبات سیاسی و نبود خشونت» و «پاسخگویی و امکان اعتراض» از نظر آماری، پیش‌بینی‌های مطلوبی برای کیفیت زندگی شهری نیستند. تحلیل واریانس (ANOVA) نیز معناداری تحلیل رگرسیون را تایید می‌کند. با استفاده ضرایب رگرسیون که از طریق حذف سه متغیر همبسته با متغیر «حاکمیت قانون» به دست آمده‌اند، معادله رگرسیونی به صورت زیر به دست می‌آید. در این معادله R نشانگر مقدار متغیر حاکمیت قانون و Q نشانگر امتیاز کیفیت زندگی در شهرهای مختلف است:

$$Q = (51/913) * R + 61/13 \quad (1)$$

بر اساس فرمول (۱)، هر گاه مقدار حاکمیت قانون در کشوری مشخص باشد، می‌توان با تقریب حدود ۶۸ درصد، میزان کیفیت زندگی شهری در آن را پیش‌بینی نمود.

۲) تجمیع متغیرها

دومین راه کاهش اثر هم‌خطی چندگانه متغیرهای مستقل، تجمیع آنها در یک یا چند متغیر جدید است، به گونه‌ای که تعداد متغیرهای جدید از متغیرهای قبلی کمتر باشد. این کار می‌تواند از فنون آماری ساده همچون جمع جبری متغیرهایی با واحد یکسان یا فنون ساده محاسباتی دیگر صورت پذیرد. همچنین می‌توان این کار را با فنون آماری پیچیده‌تر همچون تحلیل عاملی نیز صورت داد. اما باید توجه کرد که تحلیل عاملی در مواردی می‌تواند مفید باشد که پژوهشگر به دنبال ساخت مفاهیم از شاخصهای منفرد است؛ در حالی که در اینجا یک مفهوم مستقل و مشخص (کیفیت حکمروایی) مورد استفاده قرار گرفته است. بر این اساس و با توجه به آن که استدلالی برای هر گونه وزن‌دادن به هر یک از متغیرهای شش‌گانه کیفیت حکمروایی وجود ندارد، متغیر «کیفیت حکمروایی» را از طریق جمع جبری ۶ متغیر مذکور تعریف می‌کنیم. بدین

ترتیب، ۶ متغیر که دارای هم خطی چندگانه بودند، به یک متغیر تبدیل می‌شوند و از این طریق می‌توان تحلیل رگرسیون از رابطه این متغیر و متغیر کیفیت زندگی شهری را ترتیب داد. نتایج این تحلیل در جدول (۷) ارائه شده‌اند. لازم به ذکر است از آنجا که تنها یک متغیر مستقل و وابسته وجود دارند، شیوه تحلیل رگرسیون تفاوتی نخواهد داشت و بر همین اساس از شیوه پیش فرض یعنی روش همزمان استفاده شده است:

جدول (۷) نتایج تحلیل رگرسیون

نتایج مدل							
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate			
۱	۰/۸۲۸	۰/۶۸۶	۰/۶۸۱	۳۵/۳۵۶۸۸			
ANOVA تحلیل							
Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.		
Regression	۱۹۱۱۴۲/۷۰۲	۱	۱۹۱۱۴۲/۷۰۲	۱۵۲/۹۰۱	<۰/۰۰۱		
Residual	۸۷۵۰۷/۶۲۵	۷۰	۱۲۵۰/۱۰۹				
Total	۲۷۸۶۵۰/۳۲۷	۷۱					
ضرایب تحلیل رگرسیون							
Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	Collinearity Statistics	
	Beta	Std. Error	Beta			Tolerance	VIF
(Constant)	۶۲/۳۷۳	۴/۶۶۹	۰/۸۲۸	۱۳/۳۵۹	<۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
GoodGovern	۹/۸۳۸	۰/۷۹۶		۱۲/۳۶۵	<۰/۰۰۱		

این بدین معناست که حدود ۶۹ درصد واریانس کیفیت زندگی شهری توسط متغیر تجمیع شده «کیفیت حکمروایی» تبیین می‌شود. تحلیل واریانس (ANOVA) نیز معناداری تحلیل رگرسیون را تایید می‌کند. بر اساس ضرایب تحلیل رگرسیون می‌توان معادله رگرسیونی رابطه متغیر «کیفیت حکمروایی» (G) و «کیفیت زندگی شهری» (Q) را به صورت زیر ارائه نمود:

$$Q = 9/838 * G + 62/373$$

درواقع اگر مقدار متغیر کیفیت حکمروایی را برای هر کشور بدانیم، می‌توانیم با استفاده از این معادله، مقدار متوسط کیفیت زندگی شهر یا شهرهای آن کشور را با دقتی در حدود ۶۸ درصد پیش‌بینی نماییم.

بحث

نتایج پژوهش نشان داد که شاخص «حاکمیت قانون» می‌تواند به میزان ۶۷/۸ درصد پیش‌بین مناسبی برای کیفیت زندگی شهری شهرهای مختلف جهان باشد. همچنین شاخص «کیفیت حکمروایی» به عنوان تنها عامل ناشی از ۶ متغیر حکمروایی بین‌المللی، می‌تواند تا ۶۸/۳ درصد از واریانس کیفیت زندگی شهری را تبیین نماید. این نتایج نشان‌دهنده اثر معنادار کیفیت حکمروایی ملی بر کیفیت زندگی شهری است. در واقع به طور معمول شهرهایی می‌توانند کیفیت زندگی بالایی را برای شهروندان به ارمغان بیاورند که در فضای مطلوبی از نظر «کیفیت حکمروایی» قرار گرفته باشند. این نتیجه با نتایج پژوهشهای دورن و همکاران (۲۰۰۷)، هلیول و هوانگ (۲۰۰۸)، آت (۲۰۱۱) و گروئن و کلاسن (۲۰۱۱) که اثر مثبت و معنادار حکمروایی (یا مفاهیم نزدیک به آن همچون کیفیت دولت، کیفیت دموکراسی و آزادی اقتصادی) بر کیفیت زندگی (یا مفاهیم مشابه آن همچون رضایت از زندگی و خوشبختی) را گزارش کرده‌اند، همسو است. همچنین اثر مهم متغیر «حاکمیت قانون» بر

کیفیت زندگی، کاملاً همسو با نتیجه پژوهش نیکولووا (۲۰۱۵) است.

با توجه به قدرت تبیین بالای حاکمیت قانون برای کیفیت زندگی شهری، مطالعه ابعاد حاکمیت قانون از منظر بانک جهانی می‌تواند راهگشای خوبی برای بهبود کیفیت زندگی شهری در ایران باشد. از این منظر، حاکمیت قانون به «میزان اعتماد کارگزاران به قوانین جامعه و تبعیت آنها از این قوانین اطلاق می‌شود و ابعادی همچون کیفیت اعمال قراردادها، حقوق مالکیت، نیروی پلیس و دادگاهها، قابلیت پیش‌بینی احکام قضایی و احتمال وقوع جرم و خشونت را شامل می‌شود». حاکمیت قانون در واقع موفقیت کشورها در ایجاد محیطی است که در آن، قوانین منصفانه و قابل پیش‌بینی شرایطی را برای میان‌کنشهای اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کنند و حقوق مالکیت افراد به رسمیت شناخته شده و مورد محافظت قرار می‌گیرد. با توجه به تعریف بانک جهانی از حاکمیت قانون (که مبنای سنجش شاخص حاکمیت قانون قرار گرفته است) و رابطه قوی و معنادار حاکمیت قانون با کیفیت زندگی شهری، می‌توان دریافت که دستیابی به کیفیت زندگی شهری در تمامی نقاط جهان بدون وجود نظام قضایی توانمند و حافظ حقوق مالکیت افراد امکان‌پذیر نیست. در واقع نتیجه نهایی این پژوهش حاکی از اثرگذاری بالای حوزه‌های قضایی و اعمال قوانین بر کیفیت زندگی شهروندان است. بنابراین یکی از اقدامات مهم در افزایش کیفیت زندگی شهری، افزایش احترام مدیریت شهری به حقوق مالکیت افراد بر املاک و داراییهای آنان است. افزون بر آن نظام قضایی و سایر نهادها موظف به ایجاد زمینه‌ای برای اعتماد شهروندان به قانون و تبعیت آنان از قوانین، استقرار دادگاههای منصفانه و قابل پیش‌بینی و کاهش احتمال وقوع خشونت و جرم است. این اقدامات زمینه را برای میان‌کنشهای آسان‌تر اجتماعی و اقتصادی در شهروندان فراهم ساخته و منجر به ایجاد محیطی می‌شود که در آن کیفیت زندگی شهروندان افزایش خواهد یافت.

- شریف‌زادگان، م. ح. و شمس کوشکی، ه. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران. *مدیریت شهری*، ۳۴، ۲۹۶-۲۷۳.
- شریف‌زادگان، م. ح.، فتیحی، ح. و ملک‌پور اصل، ب. (۱۳۹۵). *حکمروایی خوب، نهادسازی برای توسعه: آموزه‌هایی از سطح ملی تا شهری و تجربه‌ای از ایران*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران
- r, J., Fahey, T. & Saraceno, Ch. (2008). *Handbook of Quality of Life in the Enlarged European Union*. London & New York: Routledge.
- Allison, P. D. (1999). *Multiple Regression: A Primer Pine Forge Press Series in Research Methods and Statistics*. London: Pine Forge Press.
- Bartolini, S., Mikucka, M. & Sarracino, F. (2017). Money, Trust and Happiness in Transition Countries: Evidence from Time Series. *Social Indicators Research*, 130(1), 87-106.
- Bjørnskov, Ch., Dreher, A. & Fischer, J. A. V. (2007). The bigger the better? Evidence of the effect of government size on life satisfaction around the world. *Public Choice*, 130(3), 267-292.
- Bjørnskov, Ch., Dreher, A. & Fischer, J. A. V. (2008). Cross-country determinants of life satisfaction: Exploring different determinants across groups in society. *Social Choice and Welfare*, 30(1), 119-173.
- Campanera, J. M., Nobajas, A. & Higgins, P. (2014). The relationship between residential quality of life and socioeconomic status in England. *Urban Affairs Review*, 50(1), 100-133.
- Cheema, G. Sh. (2005). *Building Democratic Institutions: Governance Reform in Developing Countries*. Bloomfield: Kumarian Press.
- Costanza, R. B. et al. (2007). An integrative approach to quality of life measurement, research, and policy. *Surveys and Perspectives Integrating Environment and Society* 1 (1): 11-5.
- De Neve, J.-E., Diener, E., Tay, L. & Xuereb, C. (2013). *The Objective Benefits of Subjective Well-Being*. In J. F. Helliwell, R. Layard & J. Sachs (Eds.), *World Happiness Report* (pp. 54-79).
- Dissart, J. C. & Deller, S. C. (2000). Quality of Life in the Planning Literature. *Journal of Planning Literature*, 15, 135-161.
- Dorn, D., Fischer, J. A. V., Kirchgässner, G. & Sousa-Poza, A. (2007). Is it culture or democracy? The Impact of Democracy and Culture on Happiness. *Social Indicators Research*, 82(3), 505-526.
- Drechsler, W. (2004). Governance, Good Governance, And Govern-

- ment: The Case For Estonian Administrative Capacity. *TRAMES Journal*, 4, 388-396.
- Easterlin, R. (2009). Lost in transition: Life satisfaction on the road to capitalism. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 71(2), 130-145.
 - Easterly, W. (2002). How did the heavily indebted poor countries become heavily indebted? Reviewing two decades of debt relief. *World Development*, 30(10), 1677-1696.
 -
 - AlbeEdgerton, R. B. (1990). *Quality of Life from a longitudinal research perspective*. In R. L. Schalock (Ed.), *Quality of Life: Perspectives and Issues* (pp. 149-160). Washington: AAMR.
 - Evans, D. R. (1994). Enhancing quality of life in the population at large. *Social Indicators Research*, 33, 47-88.
 - Ferriss, A. L. (2001). The domains of the quality of life. *Bulletin de Methodologie Sociologique*, 72, 5-19.
 - Freedom House (2017). *About Freedom in the World*. Available on <https://freedomhouse.org/report-types/freedom-world>.
 - Graham, J., Bruce, A. & Plumptre, T. (2003). *Principles for good governance in the 21st century*. Policy brief 15 (6), Institute on Governance, Ottawa.
 - Gruen, C. & Klasen, S. (2012). Has Transition Improved Well-Being? *Economic Systems*, 36(1), 11-30.
 - Hagerty, M., Cummins, R. A., Ferriss, A. L., Land, K., Michalos, A. C. & Peterson, M. (2001). Quality of life indexes for national policy: review and agenda for research, *Social Indicators Research*, 55, 1-96.
 - Happy Planet (2017). *An Introduction to Happy Planet Index*. Available at URL: <http://happyplanetindex.org>
 - Healey, P. (2006). Transforming Governance: Challenges of Institutional Adaptation and a New Politics of Space. *European Planning Studies*, 14(3), 299-334.
 - Helliwell, J. & Huang, H. (2008). How's your government? International evidence linking good government and well-being. *British Journal of Political Science*, 38, 595-619.
 - Jackson, B. & Segal, P. (2004). *Why inequality matters?* London: Catalyst Trust.

- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2011). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues. *Hague Journal on the Rule of Law*, 3(2), 220-246.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2007). *Governance Matters V: aggregate and individual governance indicators for 1996-2005*. Policy Research Working Paper 4280, World Bank.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2009). Governance Matters VIII: aggregate and individual governance indicators 1996-2008. *Policy Research Working Paper* 4978, World Bank.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Zoido-Lobaton, P. (1999). *Governance Matters. Policy Research Working Paper* 2196, World Bank.
- Khan, M. A. (2005). *Engaged Governance: A Strategy for Mainstreaming Citizens into the Public Policy Processes*. United Nations Department of Economic and Social Affairs.
- Land, K. C. (1996). Social indicators and the quality-of-life: Where do we stand in the mid-1990s?, *SINET: Social Indicators Network News*, (45), 5-8.
- Land, K. C., Michalos, A. C. & Sirgy, M. J. (2012). *Handbook of Social Indicators and Quality of Life Research*. London: Springer.
- Nikolova, M. (2015). *Minding the Happiness Gap: Political Institutions and Perceived Quality of Life in Transition*. Discussion paper No. 9484, IZA and Brookings Institution.
- Numbeo (2017). *Qualify Life in Cities*. Available on <https://www.numbeo.com/quality-of-life>.
- Nussbaum, Martha & Sen, Amartya (1993). *The Quality of Life*. Oxford: Carendon press.
- OECD (2006). *Uses and Abuses of Governance Indicators*. OECD Development Centre Studies.
- OECD (2017). *Better Life Index*. Available on <http://www.oecdbetterlifeindex.org>.
- Ott, J. C. (2011). Government and Happiness in 130 Nations: Good Governance Fosters Higher Level and More Equality of Happiness. *Social Indicators Research*, 102, 3-22.
- PRS-Group (2017). *International Country Risk Guide Methodology*. Available on <https://www.prsgroup.com/about-us/our-two-methodologies/icrg>.

- Rapley, M. (2003). *Quality of Life Research: A Critical Introduction*. London: SAGE.
- Rotberg R. I. (2004). Strengthening governance: ranking countries would help. *The Washington Quarterly*, 28(1), 71-81.
- Rothstein, B. & Teorell, J. (2008). What Is Quality of Government? A Theory of Impartial Government Institutions. *Governance*, 21(2), 165–190.
- Stiglitz, J. E., Sen, A. & Fitoussi, J-P. (2009). The measurement of economic performance and social progress revisited: Reflections and Overview. *Working Papers hal-01069384*, HAL.
- Szalai, A. (1980). *The meaning of comparative research on the quality of life*. In A. Szalai & F. M. Andrews (Eds.), *The quality of life: Comparative studies*. London: Sage.
- Transparency International (2017). *What is Transparency International?* Available on <https://www.transparency.org/about/>.
- UN (2007). *Public Governance Indicators: A Literature Review*. Department of Economic and Social Affairs. New York: United Nations
- UNDP (2017). *Human Development Index Description*. Available on <http://hdr.undp.org/en/data>.
- Van de Walle, S. (2005). Measuring Bureaucratic Quality in Governance Indicators. *Annual EGPA conference*, Bern (CH), Aug 31st - Sep. 3rd.
- Veenhoven, R. (2012). *Happiness, Also Known as “Life Satisfaction” and “Subjective Well-Being”*. In C. L. Kenneth, A. C. Michalos & M. J. Sirgy (Eds.), *Handbook of Social Indicators and Quality of Life Research* (63-79). London: Springer.
- Walker, D. (2002). *In praise of localism*. London: Catalyst Trust.
- World Bank (2017). *Methodology Of World Governance Indicators*. Available at URL: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/#doc>
- *World Happiness Report* (2017). Available at URL: <http://worldhappiness.report>.
- *World Health Organization* (2017). The World Health Organization Quality of Life (WHOQOL). Accessed at 21 December 2017. Available on http://www.who.int/mental_health/publications/whoqol/en/.